

تغییر شعار

سید محمد اصغری یکی از همراهان شهید رجایی می‌گفت: به قم رفته بودیم. مردم میلیونی آمده بودند و این شهید رجایی را برای خود می‌دانستند و شعار می‌دادند رجایی رجایی حمایت می‌کنیم. می‌گفت از ماشین پیاده شد و دوالی سه دقیقه صحبت کرد و گفت بگویند هدایت می‌کنیم. این نمونه رفتار است. می‌خواهد به مردم بگوید من کسی نیستم. من همان رجایی دیروز هستم که شما من را نمی‌شناختید. ساده‌زیستی این است. گاهی شهید رجایی جایی می‌رفت، نمی‌شناختند نخست‌وزیر است. این همان روش پیامبر (ص) است.

نحوه تعیین حقوق در دولت شهید رجایی

روزی در هیأت‌دولت به ما گفت حقوق هر چقدر می‌خواهید، بنویسید. من آن زمان جوانی بودم که تازه ازدواج کرده و مستاجر بودم. گفت حقوق‌های درخواستی خود را بنویسید. هیچ کسی جرأت نکرد بنویسد و دکتر نمازی، حافظ قرآن، به شهید رجایی گفت خودتان اول بنویسید. گفت من حقوق خود را می‌گیرم. گفت از کجا؟ گفت از آموزش و پرورش حقوق می‌گیرم و تا آخر عمر هم چیزی غیر از آموزش و پرورش نگرفت. حتی یک ماشین پیکان از نخست‌وزیری برای خود نگرفت. اولین کسی که جرأت کرد بنویسد، دکتر نمازی بود، چون رابطه ایشان



حافظ قرآن

محمدرضا اعتمادیان مشاور شهید رجایی: اصلی‌ترین ویژگی ایشان، ایمان کامل و قوی به خداوند و اطمینان به رهبری امام خمینی (ره) بود. ایشان واقعاً معتقد بود که اگر خداوند وعده داده کاری انجام می‌شود، آن کار حتماً انجام می‌شود و اگر کاری را گفته انجام نمی‌شود، حتماً انجام نمی‌شود. نکته جالبی که وجود دارد این است که ما تا چند ساعت قبل از شهادت ایشان، نمی‌دانستیم که حافظ قرآن هستند. آن روز، وقتی برگزیدگان مسابقات سراسری قرآن را نزد ایشان بردیم، زمانی که قاریان مشغول تلاوت بودند، از چهره ایشان معلوم بود که بسیار لذت می‌برند و اشاره کردند که ادامه بدهند. بعد پشت میکروفون رفتند و سخنرانی کردند. آنجا به چگونگی حفظ قرآن توسط خودشان اشاره کردند و گفتند که من صبح‌ها که از خانه خارج می‌شدم، چند آیه قرآن را یادداشت می‌کردم و همراه خودم می‌بردم و کم‌کم توانستم طی چند سال قرآن را حفظ کنم. ما آن‌موقع فهمیدیم که ایشان حافظ قرآن است.

در آن زمان، مسأله ولایت فقیه مانند امروز جا نیفتاده بود و اینگونه نبود که مدیران در همه مسائل داخلی و خارجی به نظر امام عمل کنند. اما با

این حال، آقای رجایی همه اقداماتش را مطابق نظر امام انجام می‌داد، زیرا به این موضوع اعتقاد داشت و معتقد بود که بدون اذن امام نمی‌شود کاری انجام داد. اگر امام می‌گفت فلان کار باید انجام بشود، شهید رجایی حتماً انجام می‌داد و اگر هم می‌گفت نباید انجام شود، شهید رجایی مانع انجام آن کار می‌شد و با کسی هم تعارف نداشت.

■ صریح بود

یکی از ویژگی‌های ایشان این بود که حرف خود را صریح می‌زدند و مسأله پوشیده و پنهانی نداشت و اگر چیزی به ذهنش می‌رسید صریح اعلام می‌کرد. نکته قابل ذکر دیگری که به ذهن می‌رسد این است که ما زمانی که به اوقاف رفتیم به این فکر افتادیم که ساعت ورود و خروج کارکنان را ثبت کنیم و اگر کارمندی دیر بیاید به او تذکر بدهیم. شهید رجایی از این اقدام ما خوششان آمد و آن را تأیید کردند. خودشان هم همیشه سر وقت در محل کار حاضر می‌شدند. به یاد دارم زمانی که به بنده گفتند ساعت شش و نیم صبح بیایید و حکم‌تان را بگیرد، من ساعت شش و نیم رفتیم دیدم پشت میز نشسته‌اند و مشغول کار هستند.



با آقای رجایی بسیار نزدیک بود. ایشان نوشت چون عائله‌مند هستم، هفت هزار تومان حقوق می‌خواهم. معمول وزارتخانه در آن زمان همین مقدار بود. بقیه که عائله کمتر از دکتر نمازی داشتند، نمی‌توانستند بیشتر بنویسند و نمی‌نوشتند. وزرا خجالت می‌کشیدند. می‌گفتند من وام مسکن بگیرم و مردم بگویند وزیر برای خودش اول وام گرفته است؟! فضا این چنین بود. همه حساس بودند.